

سال دوم

جلسه ۸۲

سال تحصیلی ۹۰ - ۹۱

۲۱ / ۱ / ۹۱ دوشنبه

بحث سوم:



دو قول رئیسه پیرامون هیأت های اخباری

قول اول

همه هیأت های دارای وضع یکسان است

۱. نظریه مشهور

قول دوم

همه هیأت های دارای وضع یکسان نیست

تقریر مرحوم آخوند از نظریه مشهور

نکته اول :

موضوع له جمله خبریه : «ثبوت نسبت» یا «لا ثبوت نسبت» است

یعنی جمله خبریه وضع شده که بگوید:

بین مبتدا و خبر یا بین فعل و فاعل و مفعول و .. ، «نسبتی ثابت» هست (یا نیست).

نکته دوم :

در این قول هیچ فرقی بین انواع مختلف جمله های خبری مختلف گذاشته نشده است

نکته سوم:

مراد مشهور از «ثبوت نسبت» ؟

«ثبوت» به معنای «وجود» است

یعنی : جمله خبری، گاه بر «وجود نسبت» و گاه بر «عدم نسبت» دلالت می کند .

به بیان دیگر :

مراد از ثبوت نسبت = «نسبت ثابته»

مراد از لا ثبوت نسبت = «نسبت غیر ثابته»

اشکال مرحوم خوبی

اشکال اول

مقدمه :

با شنیدن جمله خبریه، نه تنها قطع به ثبوت نسبت در خارج پیدا نمی کنیم بلکه ظن به آن هم پیدا نمی کنیم.

بلکه : قطع و یا ظن به ثبوت نسبت ناشی از «قرائن خارجیه» است

اصل اشکال:

با این اوصاف، چگونه می تواند «جمله خبریه» برای «نسبت» وضع شده باشد؟

نکته

توضیح کلام مرحوم خوئی

لفظ «جمله خبریه» همانند لفظ «زید»، معنای آن را به ذهن سامع می آورد

حال :

اگر معنای جمله خبریه «ثبوت نسبت» باشد، باید سامع با شنیدن جمله، به «ثبوت نسبت» پی

برد

در حالیکه :

سامع بعضاً با شنیدن جمله خبریه، قطع یا ظن به «ثبوت نسبت» پیدا نمی کند

اشکال

خلط بین «ثبوت نسبت» و «قطع به ثبوت نسبت»

خلط بین «ثبوت نسبت» و «قطع به ثبوت نسبت»

تصور مرحوم خوئی :

معنای جمله خبریه، «ثبوت نسبت» است = ثابت شدن «نسبت» برای سامع

در حالیکه :

شنیدن جمله، سامع را تنها متوجه «نسبت زید و قیام» می کند.

اما این که به این مضمون قطع پیدا می کند یا نه، بحث دیگری است.

به عبارت دیگر :

جمله خبریه دال بر نسبت ادعایی بین «زید و قیام» است و هنوز آن را تصدیق نکرده ایم

نکته

فرق بین «تصدیق» و «نسبت»

کلام مرحوم مظفر :

- وقتی مفهوم مثلث را تصور کردی، این یک «تصور» است.
- وقتی مفهوم زاویه را تصور کردی، این یک «تصور» است.
- وقتی زاویه قائمه را تصور کردی، این یک «تصور» است.
- وقتی نسبت بین زاویه های مثلث و 180° را تصور کردی، باز این هم «تصور» است.



«تصدیق» آن جایی است که به برهان این قضیه برای شما ثابت شده باشد.

اشکال دوم

اشکال دوم مرحوم خوئی

جملات اسمیه برای نسبت خارجی وضع نشده اند
چراکه در امثال «شریک الباری ممتنع» و .. نسبت های خارجی وجود ندارد

جواب

- نسبت ادعا شده، لازم نیست در خارج باشد!**
- بلکه در همان ظرفی است که موضوع و محمول در آن هستند
- انسان در عالم خارج، ممکن است و بین ماهیت انسان و امکان ذاتی نسبت برقرار است.
 - ماهیت انسان در خارج دارای نسبت است با «موجود»
 - شریک الباری در ظرف ذهن موجود است و در همان ظرف با «ممتنع» دارای نسبت است

اشکالی بر اساس مسلک «تعهد»

اشکال سوم

انسان تنها می تواند به اموری که در «اختیار» او هستند متعهد شود!
در حالیکه : «ثبوت نسبت در خارج» از اختیار متکلم، خارج است

*

آنچه در اختیار متکلم است آن است که :

- در جملات خبری : ملتزم شود به اینکه «قصد حکایت» خود را ابراز کند
- در جملات انشایی : ملتزم شود به اینکه «اعتبار نفسانی» را ابراز کند.

جواب

اشکالی بر اساس مسلک «تعهد»

اولا مبنای تعهد، مبنای پذیرفته شده در بحث وضع نبود

*

ثانیا آنچه شما می گوئید در مفردات هم جاری است

- اگر معنای «زید»، «زید خارجی» است

می گوئیم: «زید خارجی» از حوزه اختیار ما خارج است.

- اگر موضوع له، «مفاهیم ذهنی» هستند که در حوزه اختیار گوینده است

می گوئیم: موضوع له جملات خبری هم «نسبت ثابته بین مفاهیم» است

توجه شود که کلام ابتداء بر معنای ذهنی دلالت دارد (قضیه لفظیه دال بر قضیه ذهنیه است) و

بعد معنای ذهنی یا مطابق با خارج است یا مطابق با خارج نیست.

نکته اول

مدلول جمله خبریه :

کلام ابتداء بر معنای ذهنی دلالت دارد (قضیه لفظیه دال بر قضیه ذهنیه است) و بعد معنای ذهنی یا مطابق با خارج است یا مطابق با خارج نیست.

نکته دوم

چرا باید معنی در حوزه اختیار ما باشد؟

اگر بپذیریم موضوع له همان «ثبوت نسبت خارجی» است: باز هم لازم نیست «ثبوت نسبت» تحت اختیار گوینده باشد

بلکه اگر ما خواستیم «نسبت ثابته خارجی» - که در اختیار ما نیست - را تفهیم کنیم، از لفظ خاص استفاده کنیم

جمع بندی

این مبنا از اشکالات ثبوتی، «مبری» است

دو قول رئیسه پیرامون هیأت های اخباری

قول اول

همه هیأت های دارای وضع یکسان است

۲. نظریه مرحوم
خویی

۱. نظریه مشهور

قول دوم

همه هیأت های دارای وضع یکسان نیست

قول اول [همانندی تمام هیأت ها] / ۲. بررسی نظریه مرحوم **خویی**

اصل نظریه

جمله خبریه وضع شده برای :

«ابراز قصد حکایت و اخبار از واقع و نفس الامر»

توضیح

توضیح مرحوم خوئی

مقدمه :

انسان احتیاج به ابزاری دارد که اغراض او را ابراز کند.

اشاره و امثال آن نمی تواند نیازهای انسان به محسوسات و معقولات را برآورده کند

پس : چاره ای غیر از «تعهد» نداریم

در جملات خبریه:

- ✓ متکلم متعهد است برای حکایت از «ثبوت نسبت»، به جمله خبریه تکلم کند
- ✓ انگیزه ایجاد لفظ «قصد حکایت از ثبوت نسبت» است.
- ✓ جمله خبریه مصداق «حکایت» است
- ✓ دلالت بر قصد حکایت از ثبوت از جمله خبریه جدا نمی شود، حتی اگر ثبوتاً متکلم در مقام تفهیم نباشد الا اینکه اثباتاً بر تغییر اراده اش «قرینه» بیاورد

قول اول [همانندی تمام هیأت ها] / ۲. بررسی نظریه مرحوم خوئی

نکته اول

مدعای مرحوم خوئی

جمله خبریه بر «نسبت» دلالت ندارد بلکه بر «قصده حکایت نسبت» دلالت دارد
به عبارت دیگر :

جملات خبریه ابراز می کنند که : «گوینده می خواهد چنین نسبتی را بیان کند»

نکته دوم

لازمه مدعای مرحوم خوئی

لازمه فرمایش ایشان آن است که :

موضوع له جمله خبریه «نسبت» بین مسند و مسندالیه نیست

بلکه «قصده متکلم بر حکایت» از نسبت بین مسند و مسندالیه است

اشکال آیت الله وحید خراسانی

اشکال اول

تفاوت «قصد حکایت» با «حکایت» !

قصد حکایت، تعلق به عالم خارج ندارد و متصف به «صدق و کذب» نمی شود.

حال آنکه : قضایای خبریه قطعاً متصف به صدق و کذب می شوند.

ما می گوئیم

توضیح کلام آیت الله وحید

❖ آنچه در خارج است (محکی)

← متصف به وجود و عدم می شود و نه صدق و کذب

چراکه : یا هست یا نیست

❖ «حکایت از خارج»

← متصف به صدق و کذب می شود

چراکه : از تطابق حاکی و محکی سخن می گوید و موضوع صدق و کذب «تطابق» است

[البته از حیث «ذات» متصف به وجود و عدم هم می شود]

همانندی «انشاء» و «خبر» در کلام مرحوم خوئی

جمله خبریه :

- از حیث «قصد حکایت گری» ← متصف به وجود و عدم است

- از حیث «مقصود» ← امکان اتصاف به صدق و کذب دارد

به عبارت دیگر :

«صدق و کذب» در جملات خبری «وصف به حال متعلق» جمله خبریه است

اشکال دوم

اشکال دوم آیت الله وحید

برای درک موضوع له هر چیزی، باید به تبادر عند العرف، رجوع کرد
تبادر از جملات خبریه = «نسبت» است و نه «قصده حکایت از نسبت»

ما می گوئیم

مرحوم خوئی قصد داشتند به وسیله دو دلیل، «استحاله» قول مشهور را ثابت کنند.
طبیعی است با نپذیرفتن «ادله استحاله» می توانیم این اشکال را تکمیل کرده و بپذیریم.

اشکال سوم آیت الله وحید

اشکال سوم

مقدمه :

اگر مدلول جمله خبریه «قصد حکایت» است ← باید حکایتی باشد تا آن را قصد کنیم.
«حکایت از واقع» وقتی حاصل می شود که «حکایت گری» داشته باشیم.

اصل اشکال :

اگر جمله خبریه، دلالت می کند بر «قصد حکایت»، از «واقع» چه چیزی حکایت می کند؟

ما می گوئیم

تقریری از اشکال سوم آیت الله وحید

اگر لفظ حکایت می کند از «قصد حکایت از نسبت خارجی»:

«حاکی از نسبت خارجی» از دو حال خارج نیست:

(۱) یا **همین لفظ** است:

↳ در این صورت تقدم الشئ علی نفسه لازم می آید؛ چراکه «لفظ حکایت می کند از قصد حکایت» یعنی لفظ باید هم در مرتبه «محکی» باشد (قصد حکایت) و هم در مرتبه «حاکی»؛ در حالیکه مرتبه حاکی «متأخر» است.

(۲) یا حاکی از نسبت خارجی، چیزی **غیر از لفظ** است:

↳ در این صورت می پرسیم آن «حاکی» چیست؟

آنچه فی الواقع اتفاق می افتد چنین است:

لفظ :

- ✓ به «دلالیت لفظی وضعی» = از «نسبت خارجی» حکایت می کند
- ✓ به «دلالیت عقلی / عقلایی» = از «قصد حکایت متکلم» حکایت می کند